

پرده نقره‌ای

مروری بر آثار پوران درخشنده در جشنواره «داکا»



نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «داکا» به‌مرور و بررسی آثار پوران درخشنده کارگردان

ایرانی می‌پردازد. به گزارش ایسنا، در این برنامه که با حضور این کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تهیه‌کننده ایرانی همراه خواهد بود، تعدادی از فیلم‌های این سینماگر از جمله «زیر سقف دودی»، «هیس! دختر هافراید نمی‌زنند»، «کودکان ابدی» و «وُیای خیس» به نمایش درمی‌آید و بعد از نمایش این آثار سینمایی جلسات پرسش و پاسخ نیز در برنامه این رویداد سینمایی گنجانده شده است. پوران درخشنده در روزهای حضور در نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «داکا»، مستر کلاس و ورکشاپ تخصصی سینمایی نیز برگزار می‌کند. مسئولان برگزارکننده این رویداد سینمایی در حال ایجاد مقدمات لازم برای نخستین دوره ترکیبی این جشنواره شامل نمایش‌های مجازی و حضوری آثار شرکت‌کننده در جشنواره هستند. نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «داکا» به‌همت انجمن «فیلم رنگین کمان» و با نمایش ۲۰۰ فیلم از کارگردانان ۶۰ کشور جهان در بخش‌های مختلف رقابتی و غیر رقابتی از جمله بخش رقابتی فیلم‌های آسیایی، بخش سینمای جهان، بخش مرور آثار، پانورامای بنگلادش، فیلم‌های کودکان، بخش فیلمسازان زن، فیلم‌های کوتاه و مستقل و همچنین بخش فیلم‌های معنوی برگزار خواهد شد. این رویداد سینمایی ۲۷ تا ۵ بهمن ماه (۱۶ تا ۲۴ آذرماه سال ۲۰۲۱) به‌صورت فیزیکی و آنلاین در مراکز سینمایی «الینس فرانسس، ستار سینه پلاس، آکادمی شلیپاکالا، کتابخانه عمومی و نیز سالن اجتماعات موزه ملی هنر داکادر کشور بنگلادش برپا خواهد شد.



«خورشید»: در میان ۲۰ فیلم برتر نظر سنجی «هالیوود ریپورتر»



منتقدان نشریه هالیوود ریپورتر فهرست ۲۰ فیلم برتر دو جشنواره مهم ونیز و تورنتو را با

حضور فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی منتشر کردند. به گزارش ایسنا، منتقدان سینمایی هالیوود ریپورتر از جمله «دیوید رونی»، «جوردن مینتز»، «استیون دالتون»، «شری لیندن»، «بوید ون هویه‌یچ» و «دبورا یانگ» ۲۰ فیلم برتر به نمایش گذاشته شده در دو جشنواره مهم ونیز و تورنتو را انتخاب کردند که در این میان نام فیلم «خورشید» مجید مجیدی از سینمای ایران که در هفتاد و هفتمین دوره جشنواره ونیز به نمایش در آمد به چشم می‌خورد. فیلم «خورشید» ساخته مجید مجیدی اولین نمایش بین‌المللی خود را در بخش رقابتی هفتاد و هفتمین جشنواره فیلم ونیز تجربه کرد و در نهایت روح‌الله زمانی توانست جایزه مارچلو ماسترویانی و بزرگ‌ترین بازیگر نوظهور جشنواره را از آن خود کند. مجیدی برای ساخت فیلم جدیدش جایزه جنبی فانوس جادبی انجمن ملی C.G.S را نیز از جشنواره ونیز دریافت کرد.



«تومان» و «پیشی‌میشی» در راه اکران



فیلم‌های سینمایی جدید از مهرماه روی پرده سینماهای روند. مرتضی شایسته، دبیر شورای

صنعی نمایش، درباره مصوبات جلسه ۳۰ شهریورماه این شورا به ایسنا گفت: قرار است فیلم‌های سینمایی «پیشی‌میشی» به کارگردانی حسین قناعت ۹ مهرماه و «تومان» به کارگردانی مرتضی فرشباف از ۱۸ مهرماه در سینماها اکران شوند. او همچنین اضافه کرد که جلسه شورای صنفی نمایش در سینما «ایران» تشکیل شده و از این پس هر یک هفته یاد هفته در میان در سینماهای تهران جلسه برگزار می‌شود تا از این طریق شورای صنفی دیداری هم از سینماها داشته باشد. به گفته او ممکن است در سینماهای شهرستان‌ها نیز این کار انجام شود. شایسته در پاسخ به اینکه آیا پس از اعطای اختیارات ویژه به اتحادیه تهیه‌کنندگان، نماینده این صنف در شورا تغییر کرده است؟ گفت: هنوز نماینده‌ای به شورا معرفی نشده است.

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷

نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲

نشانی سایت: toseeirani.ir

تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰

اینستاگرام: @tosee.irani



بنفشه آفریقایی؛ یک مثلث عاطفی کم‌نظیر هرز رفته



ایمان عبدلی

«بنفشه آفریقایی» اثری حسرت‌برانگیز است، از این حیث که ایده‌نابش تلف شده و هرز رفته. به عبارتی اگر بخواهیم تعارف را کنار بگذاریم و از صفت‌های مبهمی چون: «شریف» و «محترم» که به چنین فیلم‌هایی اطلاق می‌شود، رد شویم، آخرین ساخته مونا زندی حقیقی به واقع تلف‌شده‌ترین فیلم سال تا امروز است.

شکوه تصمیم می‌گیرد فریدون، همسر سابقش را که فرزندانش او را به خانه سالمندان سپرده‌اند به منزلش بیاورد، شکوه بعد از فریدون بارضا ازدواج کرده و خب همنشینی این سه نفر در یک خانه، هم مناقشه‌برانگیز است و هم می‌تواند سازنده یک درام درخشان باشد. یعنی اگر چنین داستانی از سمت هر کدام از متکبین آن روایت شود، می‌تواند کلی اوج و

فرود و درام در خودش داشته باشد، در «بنفشه آفریقایی» اما بعد از فاش شدن نسبت آدم‌ها با هم، مطلقاً هیچ اتفاقی نمی‌افتد. داستانی اینچنینی قاعدتاً بر شخصیت‌ها استوار است. شکوه یک مهربان دائمی‌ست، او رضا را عاشقانه دوست دارد، سردی موقتی و کم‌حرفی او، نگرانش می‌کند. در جایی از داستان او، پس از عبور از دقایق ابتدایی ورود فریدون، رضا و شکوه در اتاق کنار هم قرار می‌گیرند، شکوه به چشمان رضا خیره می‌شود، رضا اما کم‌حرف و کمینه‌رفتار می‌کند. شکوه او را مخاطب قرار می‌دهد و بالحنی که انگار حضور فریدون او را معذب و ناراحت کرده، دلیل سردی رفتارش را کندوکاو می‌کند، رضا اما دلیلی غیر از آن چه که شکوه انتظار دارد بر زبان می‌آورد، این نشانه یعنی قاعدتاً و ظاهراً رابطه میان این دو نفر قوام دارد و پیوندشان محکم است. ما با این نشانه پیش می‌رویم؛ اما

رفته رفته تناقضات به پیکره فیلم‌نامه آسیب می‌زند. مثلاً بعدتر و در یک سوم انتهای در جایی که شکوه به خاطر مسائل مربوط به خواهر زاده‌اش به بازداشتگاه می‌افتد، رضا پس از یک پیگیری نصفه و نیمه به منزل برمی‌گردد و شب هم آسوده می‌خوابد! آسودگی را جایی متوجه می‌شویم که فردا صبحش با یک میزانشنن آشفته حاصل از خوشگذرانی مواجه می‌شویم و این خلاف آن چیزی‌ست که گمان می‌کردیم. رضا شاید هم خیلی شکوه را دوست ندارد، همان‌طور که فریدون هم در این دورهمی سهم دارد و با آن که نشانه‌های تمکن مالی را از او دیده‌ایم تلاش خاصی برای آزادی شکوه نمی‌کند و او هم ظاهراً شب گذشته تخمه شکسته و تلویزیون تماشا کرده و پای بساط تخته‌نزد بوده!

گویي هیچ‌کدام از دو ضلع مردانه مثلث داستان علاقه خاصی به شکوه ندارند. او که آن‌قدر ذهنش درگیر

تنهایی چندلحظه‌ای فریدون در طبقه پایینی‌ست که حتی اندازه یک صبحانه‌دونفره مبارطبیقه بالا را تحمل نمی‌کند و به بهانه‌های مختلف آهنگ سرکشی به طبقه پایین را می‌کند. در همین سکانس مورد بحث، یکی از معدود لحظات کنش‌مندی رضا در قبال شکوه را می‌بینیم، مچ شکوه را باز می‌کند، اما همین را هم می‌شود بیشتر در لای حس تملک‌طلبانه و نه مهر و عاطفه رضا تحلیل کرد. بدتر این که رابطه میان رضا و فریدون البته کنش و جذابیت بیشتری دارد. آن دو یک‌بار بر سر تخته‌نزد نیمچه کل‌کلی می‌کنند و این خب می‌تواند نمودی از یک رابطه‌ای باشد که خون دارد. یا در سکانس بی‌اختیاری ادرار، تلاش رضا برای رفع و رجوع کردن ماجرای فریدون، غلظت زیادی دارد، در نگاه اول گمان می‌کنیم او یک لوطی و جوانمرد است که می‌خواهد آبروی فریدون را جلو شکوه حفظ کند که البته نتیجتاً همین

اتفاق هم می‌افتد، اما به مرور حس می‌کنیم که نکند این هم در راستای رفاقت قدیمی میان این دو نفر است. در صورتی که جایی در میانه حرف‌های فریدون به شکوه درمی‌یابیم که او رضا را مقصر از هم‌پاشیدن زندگی‌اش می‌داند! دیالوگی که بیان می‌شود اما اجرانی‌شود و ما کوچک‌ترین کدورتی میان رضا و فریدون نمی‌بینیم. حتی جایی از داستان که رضا درگیر یک بدهی مالی شده، فریدون خودش را جلو می‌اندازد و کارت بانکی‌اش را برای تسویه حساب رضا هبه می‌کند. قرار نیست این دو هم حتماً دچار تنش شوند اما این که در میان روابط فیلم، این رابطه بیشتر از بقیه کار می‌کند کمی نامفهوم و گنگ است. در واقع آن چه که این مثلث را قوام می‌دهد، موجودیت شکوه است. او هست که فریدون و رضا در این‌خانه مجبور به همنشینی با هم شده‌اند، اصلاً او نقطه اوج دراماتیزه کردن تمام روابط این

داستان است و یاد واقع باید باشد. اما اتفاقی که افتاده ما با دو شخصیت منفعل و حتی باری به هر جهت مواجهیم که به هر شکلی درمی‌آیند و اساساً هویتی ندارند. سیال و رها به معنای منفی کلمه. فریدون و رضا هیچ‌وقت عصبانی نمی‌شوند، چیزی تکانشان نمی‌دهد، نوعی رخوت و سکون بر آن‌ها سایه انداخته که حتی «عشق» هم به آن راه ندارد. از آن طرف شکوه، چنان پیامبر مهربانی‌ست آن‌قدر که بی‌چشمداشت و بدون ملاحظه مهربان است، گاهی تجسم حماقت می‌شود یا به هر حال آن که عشق می‌دهد تا اندازه‌ای حداقل «توجه» طلب می‌کند، نه فریدون به عنوان یک آشنای قدیمی و نه رضا به عنوان همسر، حتی توجه هم به شکوه نمی‌دهند. در واقع شخصیت‌ها شکل نگرفته و طبعاً رابطه‌ها ساخته نشده، رابطه‌ای ساخته نشده و پس درامی شکل نمی‌گیرد. چرا و چگونه توقع داریم



پایان‌بندی سریال نیز در زمان خودش بی‌نظیر بود. بعد از «خانه سبز»، «سرزمین سبز» ساخته شد، اما ۱۰ سال بعد پخش شد. هر چند ادامه مجموعه با استقبال مخاطبان مواجه نشد اما خاطره خانه سبز حتی با وجود ۲۵ سال از زمان پخشش از یاد هیچ مخاطبی پاک نمی‌شود، کمتر کسی است که سریال «خانه سبز» را دیده باشد و تیتراژ ابتدایی سریال با صدای گرم مرحوم خسرو شکیبایی را به خاطر نداشته باشد.

«به نظر من یه خونه هر جایی می‌تونه باشه. می‌تونه بالای یه ساختمون بلند باشه. می‌تونه توی یه کوچه قدیمی که زیر به بازار چه‌ست باشه. می‌تونه بزرگ یا می‌تونه کوچیک باشه. می‌تونه برای هر کس مفهومی داشته باشه یا هر رنگی داشته باشه. می‌تونه به رنگ آجر یا به رنگ شیشه و سنگ باشه. میتونه رنگ قرمز یا... ولی من... یعنی بهتره بگم ما، معتقدیم خونه هر چی که باشه، باید سبز باشه. بله، سبز و همیشه سبز، ولی من...»

درباره بازپخش یک سریال محبوب

سبد سبد ستاره از آسمون می‌باره

بازپخش سریال «خانه سبز» از شبکه نسیم، با استقبال مخاطبان مواجه شده است. به همین سبب، مروری داشته‌ایم بر این سریال.

شب‌های چهارشنبه در سال ۷۵ منتظر پخش سریال «خانه سبز» و داستان‌های خانواده صباخی در آپارتمان سبزشان از شبکه دوم سیما بودیم، «خانه سبز» ادامه مسیری بود که مسعود رسام و بیژن بیرنگ با سریال همسران آن را آغاز کرده بودند.

«خانه سبز» جزء مجموعه‌های تلویزیونی با ژانر اجتماعی – خانوادگی و جاشنی طنز، روایت ساکنان یک خانه بود که باهم نسبت خانوادگی و فامیلی داشتند و در هر قسمت اتفاقات متفاوتی برای آن‌ها رخ می‌داد. ساکنان در این آپارتمان عبارت بودند از؛ پدر بزرگ و مادر بزرگ خانواده صباخی با بازی مرحوم دارپوش اسدزاده و مرحوم حمیده خیرآبادی، رضا صباخی و همسرش عاطفه صدر با بازی ماندگار مرحوم خسرو شکیبایی و مهرانه مهین‌ترابی، خواهر خانواده و پسرش علی کوچولو با بازی اکرم محمدی و آرش نادی و پسر خانواده فرید جنگلی‌پرد و تازه عروس خانواده لیلی با بازی رامبد جوان و آنته فقیه‌نصیری.

سریال «خانه سبز» در زمان خودش ساختار شکنی‌های زیادی داشت. از نوع ازدواج فرید و لیلی تا دیالوگ‌های پر مهر و محبتی که بین عاطفه و رضا رد و بدل می‌شد. تمامی این مسائل در کنار هم باعث شد تا سریال «خانه سبز» یکی از

محبوب‌ترین سریال‌های دهه هفتاد ایران باشد. خانواده صباخی تا حدی الگوی آن زمان خانواده‌های ایرانی شدند. هدف سازندگان سریال «خانه سبز» رواج سبک زندگی این خانواده بود.

جالب است بدانید انتخاب اول گروه مهدی هاشمی بود اما امروز تصور رضا صباخی، بدون بازی خسرو شکیبایی غیر ممکن است.

بیژن بیرنگ در این رابطه می‌گوید: «واقعیت امر این است که همکاری با شکیبایی شانس و اقبالی بود که برای ما پیش آمد. در یک شرایطی، یکی از دوستان ما که طراح صحنه است، خانم جهان ملک خزایی گفت: «می‌خواهید به خسرو زنگ بزنم؟ این روزها کارش در «سرزمین خورشید» تمام شده است.

ما هم با کمال میل قبول کردیم. تماس گرفت و خسرو گفت: «هفته دیگر می‌آیم تهران و صحبت می‌کنیم.» آمد، صحبت کردیم و در همان جلسه اول کار را قبول کرد. حالا این که چرا کار را قبول کرد، همیشه برای من سوال بوده و هست. ایشان در اواخر دهه ۶۰ به اوج شهرت خودشان رسیده